

نقش زنان در نهادینه سازی عدالت اجتماعی

سیما علوی؛ عضو آکادمی رهبری زنان

چکیده

عدالت اجتماعی زمانی پایدار می‌شود که همه اقشار جامعه، به‌ویژه زنان، در شکل‌دهی و اجرای آن مشارکت فعال داشته باشند. زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت، نه‌تنها در بنیان خانواده، بلکه در حوزه‌های آموزش، اقتصاد، سیاست و فرهنگ نقش محوری ایفا می‌کنند. با وجود تأکیده‌های قرآنی و دینی بر برابری کرامت انسانی زن و مرد و نیز تأکید فیلسوفان و جامعه‌شناسان معاصر بر اهمیت حضور زنان، ظرفیت‌های آنان در بسیاری از جوامع به‌طور کامل بالفعل نشده است. این پژوهش با بهره‌گیری از منابع اسلامی، فلسفه سیاسی و جامعه‌شناسی، نقش زنان در نهادینه‌سازی عدالت اجتماعی را بررسی می‌کند و با تحلیل نمونه‌های تاریخی و معاصر، موانع فرهنگی، حقوقی، سیاسی و اقتصادی را شناسایی می‌نماید. نتایج نشان می‌دهد که زنان در تقویت عدالت اجتماعی نقشی چندبعدی دارند؛ از تربیت نسل عدالت‌محور در خانواده تا مشارکت در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی. همچنین، توانمندسازی آموزشی، اصلاح قوانین تبعیض‌آمیز و افزایش حضور زنان در مدیریت و سیاست، از عوامل کلیدی در تحقق عدالت اجتماعی پایدار به شمار می‌روند.

واژگان کلیدی: عدالت اجتماعی، زنان، مشارکت، نقش، موانع، نهادینه‌سازی، اصلاح

The Role of Women in Institutionalizing Social Justice

Sima Alawi; Member of the Women's Leadership Academy

Abstract

Social justice is sustainable when all sections of society, especially women, are actively involved in its formation and implementation. Women, as half of the population, play a pivotal role not only in the foundation of the family, but also in the fields of education, economy, politics and culture. Despite the Quranic and religious emphases on the equality of human dignity of men and women, as well as the emphasis of contemporary philosophers and sociologists on the importance of women's presence, their capacities have not been fully realized in many societies. Using Islamic sources, political philosophy and sociology, this research examines the role of women in institutionalizing social justice and identifies cultural, legal, political and economic barriers by analyzing historical and contemporary examples. The results show that women have a multidimensional role in strengthening social justice; From raising a just generation in the family to participating in social and economic spheres. Educational empowerment, reforming discriminatory laws and increasing women's participation in management and politics are also key factors in achieving sustainable social justice.

Keywords: social justice, women, participation, role, barriers, institutionalization, reform

مقدمه

نهادینه‌سازی عدالت اجتماعی یکی از اصول اساسی جوامع پیشرو است که تحقق آن بدون مشارکت فعال همه اقشار، به‌ویژه زنان، امکان‌پذیر نیست. زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت جامعه، نه‌تنها در تربیت نسل آینده و تحکیم بنیان خانواده، بلکه در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و سیاسی نقش‌آفرینی می‌کنند. با این حال، در بسیاری از جوامع، سهم واقعی آنان در فرآیند تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و دسترسی به فرصت‌های برابر کمتر از ظرفیت‌های بالقوه‌شان است. این شکاف مانعی جدی در مسیر تحقق عدالت اجتماعی محسوب می‌شود.

این موضوع این پرسش را پیش می‌آورد که چرا، با وجود تأکیدهای دینی، فرهنگی و حقوقی بر کرامت و برابری زن و مرد، نقش زنان در نهادینه‌سازی عدالت اجتماعی به‌طور کامل بالفعل نشده است و چه عوامل ساختاری، فرهنگی و سیاسی این فرآیند را محدود می‌کند؟ زنان در چه حوزه‌ها و از چه مسیرهایی می‌توانند در نهادینه‌سازی عدالت اجتماعی نقش‌آفرینی کنند؟ موانع و چالش‌های اصلی پیش‌روی آنان در این مسیر چیست؟ و چه راهکارهایی می‌تواند به تقویت نقش زنان در تحقق عدالت اجتماعی بینجامد؟

هدف این پژوهش، تبیین جایگاه و ظرفیت‌های زنان در نهادینه‌سازی عدالت اجتماعی، شناسایی موانع موجود و ارائه راهکارهای عملی برای بهره‌گیری بهینه از این ظرفیت‌هاست.

کلیات و چارچوب نظری

مفهوم عدالت اجتماعی از دیدگاه اسلام

در نگاه اسلام، عدالت اجتماعی یعنی قرار گرفتن هر چیز در جایگاه شایسته خود و رعایت حقوق همه افراد جامعه بدون تبعیض است. عدالت نه‌تنها در روابط فردی، بلکه در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی یک اصل بنیادین است. در قرآن آیات متعددی بر عدالت تأکید دارند و عدالت به‌عنوان فرمان الهی و معیار ارزش‌گذاری جامعه معرفی می‌شود. پیامبر اسلام (ص) نیز عدالت را اساس حکومت و شرط بقای جامعه دانسته‌اند (مطهری، 1403).

مفهوم عدالت اجتماعی از دیدگاه فلسفه سیاسی

در فلسفه سیاسی، عدالت اجتماعی به معنای تخصیص «منصفانه» منابع، ثروت و فرصت‌ها در یک جامعه است که هدف آن تضمین حقوق اولیه انسانی و برابری همه اعضا، صرف‌نظر از پیشینه فردی است. این مفهوم یک آرمان نظری و عملی است که در طول تاریخ با نظریات مختلفی مانند نظریه ارسطو، نظریات قرارداد اجتماعی و سودمندگرایی شکل گرفته و در عمل به دنبال تحقق آن در جوامع مختلف از طریق جنبش‌های سیاسی و اجتماعی است (بشیریه، 1380).

مفهوم عدالت اجتماعی از دیدگاه جامعه‌شناسی

از دیدگاه جامعه‌شناسی، عدالت اجتماعی به تخصیص «منصفانه» منابع، فرصت‌ها و حقوق در یک جامعه اشاره دارد که هدف آن تضمین دسترسی برابر همه افراد به شرایط مناسب و حفظ حقوق شهروندی است، به‌گونه‌ای که نابرابری‌ها به

حداقل رسیده و منافع عمومی رعایت شود. این مفهوم بر ایجاد ساختارهای اجتماعی عادلانه و تضمین حقوق بشر و برابری در جامعه تمرکز دارد (آنتونی، 1403).

تعریف نهاده‌سازی

نهاده‌سازی فرایندی است که طی آن یک ایده، ارزش، هنجار یا رفتار اجتماعی به‌تدریج پذیرفته، تثبیت و به‌صورت پایدار در ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حقوقی جامعه وارد می‌شود. در این فرایند، آن ارزش یا هنجار از حالت فردی و موقتی خارج شده و به یک قاعده عمومی و الزام‌آور تبدیل می‌گردد که افراد و نهادها آن را به‌عنوان بخشی از واقعیت اجتماعی و ضروریات زندگی جمعی می‌پذیرند (برگر و لاکمن، 1399).

جایگاه زن در متون دینی و فرهنگی

نگاه قرآن و سنت به عدالت و نقش زن

از دیدگاه اسلام، عدالت اجتماعی یکی از اصول بنیادین جامعه است که قرآن و سنت پیامبر (ص) بر آن تأکید دارند. قرآن عدالت را نه تنها یک ارزش اخلاقی، بلکه معیار قوام جامعه معرفی می‌کند و می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ...» (نحل/90). همچنین، در آیه دیگری می‌فرماید: «فُؤَمُوا لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ» (نساء/135)؛ بدین معنا که اجرای عدالت، شرط پایداری حکومت و نظم اجتماعی است. زن و مرد در اسلام از حیث کرامت انسانی برابرند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ...» (نساء/1). این برابری بنیادین، زمینه حضور زنان در تحقق عدالت اجتماعی را فراهم می‌آورد. مطهری در کتاب نظام حقوق زن در اسلام تأکید می‌کند که زنان در جامعه اسلامی، هم در عرصه خانوادگی و تربیتی و هم در فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌توانند نقش فعال داشته باشند و مشارکت آنان، بخشی جدایی‌ناپذیر از تحقق عدالت اجتماعی است.

علاوه بر این، سنت پیامبر اسلام بر رعایت حقوق زنان و تکریم آنان تأکید دارد و زنان را در مسئولیت‌های اجتماعی و تصمیم‌گیری‌های جمعی شریک می‌داند. عدالت اجتماعی بدون حضور مؤثر زنان، از نظر آموزه‌های دینی ناقص است. بنابراین، نگاه قرآن و سنت، عدالت و نقش زنان را به‌صورت پیوسته و مکمل یکدیگر می‌بیند و تحقق هر یک بدون دیگری کامل نخواهد بود (مطهری، 1375).

نمونه‌هایی تاریخی از مشارکت زنان در تحقق عدالت اجتماعی

۱. زنان صدر اسلام

خاتم آسیه (همسر فرعون): به‌عنوان نماد عدالت و ایمان، علیه ظلم و ستم فرعون ایستاد و در قرآن به او به‌عنوان الگویی برای پایبندی به حق اشاره شده است (تحریم/11).

حضرت فاطمه زهرا (س): در زمان حیات پیامبر اسلام، از حقوق مردم و فقرا حمایت می‌کرد و از عدالت اجتماعی در امور مالی و اجتماعی دفاع می‌نمود.

زنان در بیعت نساء (عقبه اول و دوم): زنان مدینه و مکه با پیامبر اسلام بیعت کردند تا از حق خود و جامعه دفاع کنند؛ این بیعت نشان‌دهنده مشارکت فعال زنان در امور سیاسی و اجتماعی است.

2. زنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی

خدیجه کبری (س): با مدیریت تجارت و حمایت مالی از فعالیت‌های اسلامی، زمینه عدالت اقتصادی و توانمندسازی مسلمانان را فراهم کرد.

زینب کبری (س): در دوران کربلا با صبر و استقامت، پیام عدالت و مقاومت در برابر ظلم را منتقل کرد و الگوی دفاع از حقوق انسان‌ها شد (مطهری، 1375).

تأکید اندیشمندان اسلامی و متفکران معاصر بر نقش زنان در عدالت اجتماعی

اندیشمندان اسلامی همواره بر نقش کلیدی زنان در تحقق عدالت اجتماعی تأکید داشته‌اند. مرتضی مطهری در کتاب نظام حقوق زن در اسلام تصریح می‌کند که زنان نه تنها در خانواده، بلکه در فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیز می‌توانند مشارکت فعال داشته باشند و با ایفای نقش تربیتی و آموزشی، ارزش‌های عدالت‌خواهانه را به نسل‌های آینده منتقل کنند. ایشان حضور زنان را برای تحقق عدالت اجتماعی و پایداری نظام اسلامی ضروری می‌داند.

سایر متفکران معاصر اسلامی نیز بر نقش اجتماعی و اقتصادی زنان تأکید دارند و معتقدند مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی، فعالیت‌های خیریه، آموزش و تربیت و حتی امور سیاسی به ترویج برابری و کاهش نابرابری‌ها کمک می‌کند. این دیدگاه نشان می‌دهد که عدالت اجتماعی در جامعه بدون حضور فعال و مشارکت زنان تحقق کامل نمی‌یابد و زنان همواره نقش مکمل و اثرگذار در نهادهای سازی عدالت دارند (مطهری، 1375).

۱. نقش زنان در نهادهای سازی عدالت اجتماعی در خانواده

خانواده نخستین نهاد اجتماعی است که ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در آن شکل می‌گیرد و نهادینه می‌شود. زنان، به عنوان اعضای کلیدی خانواده، نقش مهمی در ترویج عدالت اجتماعی از طریق تربیت نسل‌های آینده دارند. آنان با انتقال ارزش‌هایی مانند انصاف، احترام به حقوق دیگران، مسئولیت‌پذیری و همدلی، زمینه شکل‌گیری رفتارهای عادلانه در فرزندان را فراهم می‌کنند. بنابراین، نقش زنان در خانواده فراتر از مسائل شخصی یا خانگی است و به عنوان عامل اصلی در شکل‌دهی و تثبیت ارزش‌های اجتماعی و عدالت‌خواهانه شناخته می‌شود.

از دیدگاه اندیشمندان اسلامی، عدالت در خانواده نه تنها شامل توزیع مناسب مسئولیت‌ها و احترام متقابل بین اعضاست، بلکه شامل آموزش و درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی نیز می‌شود. زنان با ایفای نقش تربیتی و مدیریتی در امور خانوادگی، الگوهای عدالت و انصاف را به فرزندان و سایر اعضای خانواده منتقل می‌کنند و این امر به نهادهای سازی عدالت اجتماعی در سطح جامعه کمک می‌کند (مطهری، 1375).

۲. نقش زنان در نهادهای سازی عدالت اجتماعی در آموزش و فرهنگ

آموزش و فرهنگ دو ابزار اساسی برای شکل‌دهی رفتارهای اجتماعی و نهادینه‌سازی ارزش‌ها هستند. زنان با حضور فعال در عرصه‌های آموزشی، فرهنگی و تربیتی، می‌توانند ارزش‌های عدالت، انصاف و احترام به حقوق دیگران را در جامعه ترویج دهند. آموزش کودکان و نوجوانان توسط مادران و معلمان زن، انتقال ارزش‌های اخلاقی و عدالت‌خواهانه را تضمین می‌کند و زمینه ایجاد جامعه‌ای برابر و عادلانه را فراهم می‌آورد. از دیدگاه اندیشمندان اسلامی، زنان در آموزش خانواده و جامعه نقش کلیدی دارند و با مدیریت فرهنگی و تربیتی، نهادینه‌سازی عدالت اجتماعی را از سطح فردی به سطح جمعی گسترش می‌دهند (فرجاد، 1390).

۳. نقش زنان در نهادینه‌سازی عدالت اجتماعی در ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی

زنان با حضور فعال در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، نقش کلیدی در ترویج عدالت اجتماعی ایفا می‌کنند. مشارکت زنان در بازار کار و کارآفرینی، موجب توزیع عادلانه‌تر منابع و فرصت‌ها می‌شود و به کاهش فقر و نابرابری کمک می‌کند. در سیاست، حضور زنان در فرایندهای تصمیم‌گیری، به تقویت شفافیت، پاسخگویی و توازن قدرت در جامعه می‌انجامد. در ابعاد اجتماعی، زنان با فعالیت در سازمان‌های مدنی، خیریه و آموزشی، به ترویج فرهنگ احترام به حقوق دیگران، کاهش نابرابری و ایجاد فرصت‌های برابر برای همه اعضای جامعه کمک می‌کنند.

مطالعات نشان می‌دهند که سرمایه‌گذاری در آموزش و توانمندسازی زنان نه تنها به افزایش مهارت‌ها و آمادگی آن‌ها برای ورود به بازار کار کمک می‌کند، بلکه تحولی قابل‌ملاحظه در جهان‌بینی و فرهنگ آنان در جایگاه مادر و تربیت‌کننده نسل فردا ایجاد می‌کند. اندیشمندان اسلامی و جامعه‌شناسان معاصر تأکید دارند که عدالت اجتماعی بدون حضور فعال زنان در این سه حوزه ناقص و پایدار نخواهد بود و زنان به‌عنوان عامل اصلی نهادینه‌سازی عدالت در جامعه شناخته می‌شوند. زنان تحصیل‌کرده و مجرب نه تنها به افزایش بهره‌وری و بازدهی نیروی کار جوامع می‌افزایند، بلکه فرزندان سالم‌تر، باسوادتر و ماهرتر تربیت می‌کنند و از این طریق نیز به رشد و ترقی همه‌جانبه و پایدار کشورها کمک می‌کنند (کواکبیان و متین، 1392).

موانع و چالش‌های فرهنگی، حقوقی، سیاسی و اقتصادی بر نقش زنان در نهادینه‌سازی عدالت اجتماعی

نقش زنان در تحقق عدالت اجتماعی تحت تأثیر موانع و چالش‌های متعددی قرار دارد که در ابعاد فرهنگی، حقوقی، سیاسی و اقتصادی قابل بررسی است.

۱. موانع فرهنگی

نگرش‌های سنتی و هنجارهای فرهنگی، زنان را محدود به نقش‌های خانگی می‌کنند و مشارکت آنان در فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را کاهش می‌دهند. همچنین، برداشت‌های نادرست از دین و اخلاق، دسترسی زنان به فرصت‌های برابر در آموزش، تربیت و فعالیت‌های اجتماعی را محدود می‌کند. این محدودیت‌ها مانع از نهادینه‌سازی ارزش‌های عدالت‌خواهانه در نسل‌های آینده می‌شوند.

۲. موانع حقوقی

عدم تساوی حقوق در نظام‌های قانونی، نبود قوانین حمایتی و اجرای ناقص قوانین، مانع حضور زنان در عرصه‌های مختلف جامعه و کاهش تأثیرگذاری آنان در نهادهای سازی عدالت اجتماعی است. به‌ویژه در مسائل خانوادگی و حقوقی، زنان اغلب با دسترسی محدود به نهادهای قضایی و نواقص قانونی مواجه هستند که فرصت تحقق عدالت اجتماعی را کاهش می‌دهد.

۳. موانع سیاسی

کمبود حضور زنان در نهادهای تصمیم‌گیری و محدودیت‌های قانونی و اجتماعی در عرصه سیاست، موجب کاهش تأثیرگذاری آنان در روندهای سیاست‌گذاری و نهادهای سازی عدالت می‌شود. زنان در بسیاری از جوامع هنوز سهم کافی در مدیریت کلان، تصمیم‌گیری‌های محلی و فعالیت‌های سیاسی ندارند که این امر مانع تعادل و توازن اجتماعی می‌شود.

۴. موانع اقتصادی

عدم دسترسی به منابع مالی، فرصت‌های شغلی محدود و نابرابری اقتصادی، استقلال زنان و توانایی آنان برای مشارکت مؤثر در فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و آموزشی را کاهش می‌دهد. فقر و نابرابری اقتصادی، به‌ویژه در جوامع توسعه‌نیافته، مانع استفاده بهینه از ظرفیت‌های زنان در نهادهای سازی عدالت اجتماعی است. این چالش‌ها نشان می‌دهند که تحقق عدالت اجتماعی بدون رفع موانع فرهنگی، حقوقی، سیاسی و اقتصادی و حمایت از مشارکت فعال زنان، ناقص و ناپایدار خواهد بود (بصیری‌نیا و غنی‌زاده، 1401).

راهکارها و پیشنهادها برای تقویت نقش زنان در نهادهای سازی عدالت اجتماعی

۱. توانمندسازی آموزشی و فرهنگی زنان

نقش کلیدی آموزش: آموزش زنان نه‌فقط به افزایش سطح آگاهی آنان می‌انجامد، بلکه مستقیماً بر رشد اقتصادی، بهداشت خانواده، کاهش فقر و حتی کاهش خشونت اثر می‌گذارد. زنانی که تحصیل کرده‌اند، در تربیت نسل عدالت‌محور تواناترند و فرزندان خود را با ارزش‌های برابری اجتماعی پرورش می‌دهند.

رفع تبعیض در دسترسی به آموزش: در بسیاری از مناطق محروم، دختران به دلیل فقر، سنت یا ناامنی از تحصیل محروم می‌شوند. سیاست‌هایی مثل بورسیه‌های تحصیلی، ایجاد مدارس شبانه‌روزی امن و حمایت‌های مالی می‌تواند این مانع را از میان بردارد.

آگاهی‌بخشی عمومی: اجرای برنامه‌های رسانه‌ای، کارگاه‌های آموزشی و کمپین‌های اجتماعی برای آشنا کردن زنان و مردان با مفهوم عدالت اجتماعی و حقوق برابر، فضای فرهنگی جامعه را به سوی پذیرش برابری هدایت می‌کند.

رسانه و ادبیات: تولید فیلم، کتاب، برنامه‌های تلویزیونی و محتوای آموزشی که زنان موفق و عدالت‌خواه را معرفی کند، به‌تدریج کلیشه‌های جنسیتی را می‌شکند و جایگاه زنان را در عدالت اجتماعی تقویت می‌نماید (کبیر، 1392).

۲. اصلاح و تقویت قوانین حمایتی

بازنگری قوانین تبعیض‌آمیز: بخشی از نابرابری‌ها ریشه در قوانین دارد. برای مثال، قوانین کار یا خانواده که زنان را از حقوق برابر محروم می‌کنند، باید اصلاح شوند. این اصلاحات با استناد به عدالت اسلامی و اصول حقوق بشر می‌تواند مشروعیت اجتماعی پیدا کند.

ایجاد فرصت‌های برابر شغلی: قوانین باید به‌گونه‌ای باشند که امنیت شغلی زنان تضمین شود. برای نمونه، مرخصی زایمان نباید باعث محرومیت آنان از ارتقای شغلی شود.

سازوکار مقابله با خشونت: تصویب قوانین جامع برای منع خشونت خانگی، ایجاد مراکز حمایت از زنان آسیب‌دیده و برگزاری دوره‌های بازپروری برای مردان خشونت‌گر می‌تواند عدالت اجتماعی را در سطح خانواده و اجتماع تقویت کند. نظارت بر اجرای قوانین: حتی اگر قوانین حمایتی وجود داشته باشند، بدون نظارت و ضمانت اجرا به نتیجه نمی‌رسند. تشکیل کمیته‌های نظارت می‌تواند مانع تبعیض پنهان در نهادها شود (محسنی، 1395).

۳. افزایش مشارکت زنان در عرصه سیاست و مدیریت

سهیمه‌بندی: حضور زنان در عرصه سیاست در بسیاری از کشورها از طریق سهمیه تضمین شده است. این سیاست در کوتاه‌مدت عدالت را برقرار می‌کند و در بلندمدت فرهنگ سیاسی جامعه را تغییر می‌دهد.

آموزش مهارت‌های رهبری: زنان نیاز دارند مهارت‌های مذاکره، مدیریت منابع و ارتباطات سیاسی را بیاموزند تا بتوانند در عرصه‌های مدیریتی رقابت کنند.

تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد زنان: انجمن‌های زنان با فعالیت مدنی می‌توانند صدای جمعی زنان را تقویت کرده و مطالبات عدالت‌خواهانه را به گوش تصمیم‌گیران برسانند.

تشویق و اعتمادسازی: جامعه باید یاد بگیرد که زنان نیز می‌توانند مدیران کارآمد باشند. معرفی زنان موفق در عرصه مدیریت (نمونه‌های ملی و بین‌المللی) می‌تواند اعتماد عمومی را افزایش دهد (حاجی‌پور ساردویی، 1393).

۴. توانمندسازی اقتصادی زنان

دسترسی به منابع مالی: یکی از موانع اصلی برای زنان کارآفرین، نداشتن سرمایه است. دولت‌ها و نهادهای مالی می‌توانند با ارائه وام‌های خرد، تسهیلات کم‌بهره و حمایت از صندوق‌های تعاونی، زمینه فعالیت اقتصادی زنان را فراهم کنند.

حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و خانگی: زنان در بسیاری از جوامع از طریق صنایع دستی، کشاورزی یا مشاغل خانگی می‌توانند درآمدزایی کنند. حمایت دولتی (بازارچه، آموزش بازاریابی، فروش آنلاین) می‌تواند این ظرفیت را گسترش دهد.

رفع تبعیض در دستمزد و ارتقا: زنان در بسیاری از مشاغل، با وجود انجام کار مشابه با مردان، دستمزد کمتری می‌گیرند. اجرای دقیق اصل «کار مساوی - مزد مساوی» یکی از پایه‌های عدالت اجتماعی است.

تقویت مهارت‌آموزی: دوره‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای ویژه زنان می‌تواند آنان را برای ورود به بازار کار توانمند کند (اعظم، 1397).

۵. ترویج فرهنگ عدالت‌خواهی از درون خانواده و آموزش رسمی

مدرسه به‌عنوان نقطه شروع: آموزش رسمی باید ارزش‌های عدالت اجتماعی، احترام به تفاوت‌ها و حقوق برابر را از سنین پایین به دانش‌آموزان بیاموزد. این آموزش می‌تواند از طریق محتوای کتاب‌های درسی و فعالیت‌های پرورشی انجام شود.

خانواده به‌عنوان نخستین نهاد عدالت: مادران و پدران هر دو در تربیت فرزندانی با نگرش عادلانه نقش دارند. تقسیم عادلانه مسئولیت‌های خانه بین والدین، خود بهترین الگو برای کودکان است.

برنامه‌های مشترک آموزشی برای والدین: ایجاد کارگاه‌ها و دوره‌هایی که مردان و زنان را با وظایف مشترکشان در تربیت عدالت‌خواهانه آشنا کند، می‌تواند تغییر نگرش‌ها را تسریع کند (اسلامی‌ندوشن، 1394).

۶. تقویت مشارکت زنان در عرصه صلح و امنیت اجتماعی

زنان در فرایندهای صلح: حضور زنان در مذاکرات صلح معمولاً به توافق‌های پایدارتر می‌انجامد، چون آنان بیشتر به مسائل انسانی، عدالت اجتماعی و آشتی پایدار توجه دارند.

پیشگیری از افراط‌گرایی: زنان، به‌ویژه مادران، می‌توانند نقش کلیدی در آموزش جوانان و جلوگیری از گرایش آنان به خشونت و افراط‌گرایی ایفا کنند. برنامه‌های اجتماعی که زنان را در این مسیر توانمند می‌سازد، اهمیت دارد.

الگوهای اجتماعی مثبت: معرفی زنان فعال در حوزه صلح، عدالت و امنیت اجتماعی به‌عنوان الگو می‌تواند نسل جدید را به مشارکت بیشتر ترغیب کند.

مشارکت در نهادهای امنیتی: حضور زنان در پلیس، نیروهای امدادی و نهادهای امنیت اجتماعی می‌تواند خدمات را انسانی‌تر و عادلانه‌تر کند (سازمان ملل متحد، 1392).

نتیجه‌گیری

تحلیل مبانی نظری، شواهد تاریخی و چالش‌های معاصر نشان می‌دهد که عدالت اجتماعی به‌عنوان یک اصل بنیادین، بدون مشارکت زنان نه کامل می‌شود و نه پایدار می‌ماند. اسلام با صراحت در قرآن و سنت پیامبر (ص) بر عدالت و برابری زن و مرد تأکید کرده و زنان را در مسئولیت‌های خانوادگی، اجتماعی و سیاسی سهیم دانسته است. نمونه‌های صدر اسلام، مانند حضرت خدیجه (س) که با حمایت اقتصادی از پیامبر نقش مهمی در توانمندسازی جامعه اسلامی ایفا کرد، یا حضرت زینب (س) که با پیام‌رسانی و روشنگری، عدالت‌خواهی را در برابر ظلم زنده نگه داشت، نشان‌دهنده پیوند مستقیم میان حضور زنان و تحقق عدالت اجتماعی است. در نگاه اندیشمندان اسلامی معاصر، به‌ویژه مرتضی مطهری، مشارکت زنان بخشی جدایی‌ناپذیر از بقای نظام اجتماعی و تحقق عدالت دانسته می‌شود. از سوی دیگر، نظریه‌های فلسفه سیاسی و جامعه‌شناسی نیز بر ضرورت حضور برابر زنان در فرایند توزیع منابع، فرصت‌ها و حقوق اجتماعی تأکید دارند.

با وجود این مبانی نظری و تاریخی، در عمل موانع جدی بر سر راه نقش‌آفرینی زنان وجود دارد. موانع فرهنگی، همچون برداشت‌های سنتی و کلیشه‌ای، زنان را به عرصه خانگی محدود می‌کنند و مانع بروز ظرفیت‌های اجتماعی آنان می‌شوند. موانع حقوقی ناشی از قوانین تبعیض‌آمیز یا اجرای ناقص قوانین حمایتی، دسترسی آنان به عدالت را محدود می‌سازند. موانع سیاسی با کاهش حضور زنان در عرصه تصمیم‌گیری، سهم آنان را در سیاست‌گذاری کلان جامعه کم‌رنگ می‌کنند. در نهایت، موانع اقتصادی، چون فقر، بیکاری و تبعیض دستمزدی، استقلال و توانمندی زنان را کاهش می‌دهند.

با رفع این موانع می‌توان شرایط را برای نقش‌آفرینی گسترده‌تر زنان فراهم آورد. توانمندسازی آموزشی و فرهنگی زنان از طریق آموزش برابر، رسانه و آگاهی‌بخشی عمومی، نخستین گام در این مسیر است. اصلاح قوانین تبعیض‌آمیز و تضمین حقوق برابر در نظام‌های قضایی و اجتماعی، پشتوانه حقوقی لازم را ایجاد می‌کند. افزایش مشارکت زنان در عرصه سیاست و مدیریت با سهمیه‌بندی، آموزش مهارت‌های رهبری و تقویت نهادهای مدنی، زمینه‌ساز عدالت سیاسی می‌شود. در عرصه اقتصادی نیز حمایت از کارآفرینی، دسترسی به منابع مالی و رعایت اصل «کار مساوی - مزد مساوی» از جمله الزامات است. علاوه بر این، خانواده به‌عنوان نخستین نهاد اجتماعی باید با تقسیم عادلانه مسئولیت‌ها و آموزش ارزش‌های عدالت‌خواهی به فرزندان، بستر فرهنگی عدالت اجتماعی را فراهم کند.

در نهایت، نتیجه پژوهش آن است که زنان نه تنها نیمی از جامعه، بلکه نیرویی حیاتی برای پایداری عدالت اجتماعی هستند. حضور آنان در همه عرصه‌ها، از خانواده تا سیاست و اقتصاد، لازمه تحقق جامعه‌ای عادلانه، متوازن و پایدار است. عدالت اجتماعی بدون زنان ناقص خواهد بود و نهادینه‌سازی آن نیازمند رفع موانع ساختاری و ایجاد فرصت‌های برابر برای مشارکت کامل آنان است. به بیان دیگر، عدالت اجتماعی و نقش زنان رابطه‌ای دوسویه دارند: عدالت بدون حضور زنان محقق نمی‌شود و حضور فعال زنان نیز بدون عدالت امکان‌پذیر نخواهد بود.

فهرست منابع

1. قرآن کریم .
2. اسلامی ندوشن، مهدی. (1394). *زن، خانواده و عدالت اجتماعی*. تهران: انتشارات کویر .
3. اعظم، مریم. (1397). *توانمندسازی زنان: مقدمات، ابعاد و شیوه‌های اجرا*. تهران: نشر پژوهش‌های اجتماعی .
4. بشیریه، حسین. (1380). *تاریخ اندیشه‌های سیاسی غرب*. تهران: نشر نی .
5. برگر و لاکمن، پیتر و توماس. (1399). *ساخت اجتماعی واقعیت*. ترجمه فریبرز مجیدی. تهران: نشر علمی فرهنگی .
6. حاجی‌پور ساردویی، سیمین. (1393). *زنان و مشارکت سیاسی: واکاوی سیاست حضور زنان در مجلس شورای اسلامی*. تهران: پژوهشکده زنان .
7. سازمان ملل متحد. (1392). *زنان، صلح و امنیت*. ترجمه کمیسیون ملی یونسکو ایران. تهران: کمیسیون ملی یونسکو .

8. کبیر، نایلا. (1392) *توانمندسازی زنان: نقدی بر رویکردهای رایج توسعه*. ترجمه فاطمه صدیقی و همکاران. تهران: نشر نی.
9. گیدنز، آنتونی. (1403) *جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
10. محسنی، شهلا. (1395) *زن، قانون و عدالت اجتماعی در ایران*. تهران: انتشارات روشنگران.
11. مطهری، مرتضی. (1375) *نظام حقوق زن در اسلام*. تهران: انتشارات صدرا.
12. مطهری، مرتضی. (1403) *عدل الهی*. تهران: صدرا.

مقالات

1. بصیری‌نیا و غنی‌زاده، علی و صابره. (تابستان 1401). «بررسی موانع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر حضور سیاسی زنان در افغانستان». قابل دسترس در سایت : https://jsr.usb.ac.ir/article_6661.html
2. کواکبیان و متین، مصطفی و عظیم. (1392). «جایگاه زنان در توسعه سیاسی: تحلیل مضمون برنامه‌های پنجم و ششم توسعه کشور». قابل دسترس در سایت https://qpss.atu.ac.ir/article_17460.html :
3. فرجاد، محمدرضا. (1390). «نقش زنان در آموزش و پرورش و نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی». قابل دسترس در سایت <https://jwdp.ut.ac.ir/> :